



بررسی آثار اشارات طبي در قرآن بر پیشرفت علوم پزشکی نزد مسلمانان (2)

مؤلفه‌های اعجاز طبي قرآن کریم:

تفسیر علمی به مفسر اجازه می‌دهد تا آیات قرآن را مطابق علوم تجربی، تفسیر نماید و این نوع تفسیر به نوبه خود راه را برای اثبات اعجاز علمی قرآن که به عنوان یکی از وجوه اعجاز به شمار آمده، هموار می‌سازد و از آنجا که علم پزشکی نیز، زیرمجموعه‌ای از علوم تجربی به شمار می‌رود لذا برای اثبات وجود اعجاز طبي قرآن نیازمند این نوع تفسیر هستیم.

اعجاز طبي ارتباط تنگاتنگ و تفکیک‌ناپذیری با بحث اعجاز علمی و تفسیر علمی دارد و نمی‌توان پیشینه و تاریخچه مجزایی برای آن قائل شد. گرچه تفسیر علمی سابقه‌ای هزار ساله دارد اما به موازات گسترش تفسیر علمی و اوج شکوفایی آن در دو قرن اخیر بحث اعجاز علمی مطرح شد و در خصوص آیاتی که به شکل علمی تفسیر می‌گردید، نکات طبي هم مطرح شد. و هر جا که مفسرین به بحث اعجاز علمی پرداخته، در لابه لای آنها متعرض مطالبی درباره اعجاز طبي نیز شده‌اند. بنابراین جدا کردن قلمرو این دو موضوع از جنبه تاریخی به سختی امکان‌پذیر است، گرچه برخی از مسائل پزشکی با پیشرفت علوم و فنون به تدریج برای بشر آشکار شد (از جمله مسائل مربوط به علم جنین شناسی که بعدها این موضوعات و روند انطباق آنها با آیات قرآن در جرگه بحث اعجاز طبي وارد شد) اما باز هم کتابهایی که تحت عنوان «اعجاز طبي» نوشته شده است، به بحث پیرامون مسائلی پرداخته که ارتباط مستقیمی با مسائل پزشکی ندارد و یا کتابهایی تحت عنوان «اعجاز علمی» به بحث درباره مسائل طبي در قرآن پرداخته‌اند.

اعجاز طبي در قرآن کریم از دو منظر می‌تواند قابل بررسی باشد:

1- آیات قرآن حاوی اطلاعات و دستورات و سفارش‌های پزشکی است که علم و عمل به آن موجب سعادت انسان می‌شود. و معجزه بودن آن از باب این است که در زمان نزول چنین آیات شریفه‌ای هیچگونه علمی نسبت به این مطالب وجود نداشته است، چنانکه گفته‌اند: «قرآن در دوره‌ای نازل شد که انسان درباره طبیعت علم زیادی نداشت مثلاً فکر می‌کردم باران از آسمان می‌بارد، یا زمین صاف است و یا آسمان سقف زمین است و یا ستاره‌ها میخ‌های درخشانی از جنس نقره‌اند که در گنبد آسمان جای گرفته‌اند و ... مردم قدیم هند فکر می‌کردند که زمین بر روی یکی از شاخ‌های گاو مادر قرار گرفته و هر وقت این گاو زمین را روی شاخ دیگر منتقل کند، زلزله برپا می‌شود. دانشمندان فکر می‌کردند که خورشید ساکن و بدون حرکت است و زمین به دوران می‌چرخد اما کوپرنیک بعدها خلاف آن را ثابت کرد و گفت که خورشید حرکت می‌کند. پیشرفت علم اسرار زیادی را کشف کرد و اکنون بسیاری از نظریه‌ها در شاخه‌های مختلف علوم تغییر کرده و عقاید دوره قدیم باطل شده است. اما قرآن کریم که به طور کلی از نظر چنین ویژگی‌هایی با علوم تجربی متفاوت است و در همه مطالبش حق و صادق بوده و با گذشت زمان هیچ تغییری در آن راه ندارد، در آن زمان علمی را به مردم عرضه کرد و از اسرار علمی مهمی پرده برداری کرد که در آن زمان هیچ کس به آن علم نداشت»¹.

به نظر طرفداران این منظر، اشارات طبي در قرآن کریم بسیار زیاد است و سابقه طرح این اشارات به قرآن کریم بر می‌گردد و کسی قبل از قرآن یا در زمان قرآن به این اشارات دست نیافت و اولین بار فقط قرآن کریم درباره آن خبر داد و این دلالت آشکاری است بر این مطلب که قرآن از جانب خداوند نازل شده، زیرا اگر پیامبر (ص) قرآن را از پیش خود آورده بود مطالب آن را بدون فکر و آگاهی می‌آورد که اگر علم پس از آن خلافت را ثابت می‌کرد، به طور کلی ایمان به قرآن از بین می‌رفت.

2- آیات قرآن از این نظر اعجاز طبي دارد که خود فی‌نفسه باعث شفا و درمان بیماریها می‌شود. درباره شفا بودن قرآن بحث‌های فراوانی شده از جمله اینکه مصداق شفای قرآنی روح است یا جسم: «اگر از ابعاد معالجه با قرآن سؤال شود که آیا قرآن حقیقتاً شفا است یا بر سبیل مجاز، و آیا فقط امراض قلبی و روحی را معالجه می‌کند و یا اینکه شامل امراض جسمی هم می‌شود و چگونه معالجه می‌کند، پاسخ می‌دهیم که درک حقیقت روح و امراضی که روح دچار آن شده و بواسطه آن می‌میرد و داروهای که باعث سلامت روح می‌شود در حد قدرت علم و شناخت بشر نیست و در این باره کمتر از کم می‌داند، زیرا خداوند در سوره اسراء آیه 85 فرموده: و یسئلونک عن الروح قل الروح من امر ربي و ما اوتینم من العلم الا قليلاً، بشری که حقیقت روح را نمی‌داند چگونه راه معالجه آن را بداند، همان کسی که قرآن را برای شفای روح‌های ما نازل کرده، همو خالق این ارواح است و به مصلح و مفسد آن آگاه است. اما قرآن همانطور که شفای روح است، شفای جسم نیز می‌باشد. زیرا در همان سوره آیه 82 فرموده: و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین، که باید در اینجا من برای بیان جنس گرفته شود نه تبعیض، بنابراین قرآن شفاء است برای تمام دردهای قلبی و بدنی و اخروی»².

بررسی شفای قرآن از دیدگاه تفسیری:

در مورد تفسیر آیه شریفه، عقیده مفسرین بر این است که «من» در «من القرآن» بیانیه بوده که برای تبیین می‌آید³ و نه تبعیض. و شفا بر وجه اطلاق است یعنی همه قرآن شفا است از امراض صوری و معنوی و قلبی و قالبی⁴، بنابراین طبق تفسیر، منظور از «شفاء» در این آیه، شفای روح و جسم است.

بررسی شفا و سلامتی از دیدگاه علمی:

از نقطه نظر علمی نیز نمی‌توان، بین شفاء روحی و روانی و شفاء جسمانی خط مرزی قائل شد زیرا این دو با هم عجین بوده و از یکدیگر جدا نیستند. این مطلب از بدیهیات علم پزشکی است و همه دانشمندان طب آن را پذیرفته‌اند. تجربه ثابت کرده است برخی بیماران که بیماری آنها ظاهراً جسمانی است هیچگونه عامل جسمی در آنها مشاهده نمی‌شود؛ عامل و ریشه بروز بیماری را تنها می‌توان در روح و روان بیمار جستجو کرد. از این نوع بیماریها به عنوان بیماریهای «سایکوسوماتیک» نامبرده شده است.

سازمان جهانی بهداشت در ماده 2 اساسنامه خود مصوب 1948 سلامتی را اینگونه تعریف می‌کند: «سلامت عبارت است از حالت آسایش کامل جسمی، روانی، اجتماعی و نه فقط نبودن بیماری و ناتوانی».

گرچه به عقیده پزشکان اسلامی 5 در این تعریف يك نقص بزرگ وجود دارد و آن نادیده گرفتن زندگی انسان پس از مرگ است و تأثیر مهمی که اعتقاد به معاد می‌تواند بر سلامتی انسان داشته باشد و لذا باید « محدوده هماهنگ با نظام اعتقادی» را نیز در چارچوب این تعریف گنجانند.

اما باز هم مشاهده می‌شود که در تعریف اول از سلامت، به بعد روانی نیز اشاره شده و عدم معلولیت و ناتوانی جسمانی را به معنای سلامت یا تندرستی نمی‌پذیرد. بنابراین، باید پذیرفت که « شفاء» در آیه شریفه به صورت مطلق آمده است.

بررسی جوانب متعدد دیدگاه اعجاز طبی قرآن با مفهوم شفابخشی آن:

1- آیاتی که در خود قرآن وجود دارد و آن را شفاء می‌خوانند:

نمونه‌هایی از این آیات عبارتند از:

« و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خساراً6»

« قد جئکم موعظه من ربکم و شفاء لما فی الصدور7»

در برخی از روایات اسلامی نیز به جنبه شفابخشی قرآن اشاره شده است:

« فاستشفوه من ادوائکم استعینوا به علی لاوائکم فان فیہ شفا من اکبر الداء و هو الکفر و النفاق و الغی و الضلال8»

برای دردهای خود از قرآن شفا بطلبید و در مشقت‌ها از آن یاری بخواهید، زیرا درمان بزرگترین دردها که کفر و نفاق و انحراف و گمراهی است، در آن است. عن الکاظم (ع):

فی القرآن شفاء من کل داء9.

از همه اینها مهمتر این است که شفابخشی قرآن هیچ آثار نامطلوبی بر روی فکر و جسم انسان ندارد، در حالیکه داروهای شفابخش دردهای جسمانی بعضاً عوارض نامطلوبی بر بدن بر جای می‌گذارند:

« شفاء لا تخشی اسقامه10»

قرآن داروی شفابخشی است که هیچ بیماری از آن بر نمی‌خیزد.

قال موسی بن جعفر (ع): « لیس من دواء الا و یهیج داء11»

هر دارویی، بر انگیزنده بیماری دیگری است.

2- شفابخشی قرآن از جهت تاریخی، در جامعه بشری:

- تأثیر شفابخشی قرآن در جامعه نیز در طول تاریخ مشهود بوده و به روشنی دیده می‌شود، بهترین دلیل برای این مطلب مقایسه وضع عرب جاهلی با تربیت‌شدگان مکتب قرآن و پیامبر (ص) در آغاز اسلام است، زیرا قرآن نه تنها آنها را درمان کرد تا از چنگال جهل، خونریزی و انواع فساد اخلاقی نجات یابند، بلکه آنان را به قدری نیرومند ساخت که بر جهانیان سروری کنند و به چنان علم و تمدنی دست یازند که الگویی همه عالم شوند. چنانچه در مباحث گذشته در زمینه پیشرفت علم طب در بین مسلمانان پس از اسلام گذشت.

3- شفابخشی قرآن از جهت علوم پزشکی:

- درباره شفابخشی قرآن از جنبه علوم پزشکی برخی از محققین در علوم پزشکی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و ... قرآن و مطالب آن را مورد توجه قرار داده و تأثیرات آن را بر انسان در زمینه‌های مختلف مورد بررسی و مطالعه قرار داده‌اند و از این طریق شفابخشی قرآن را با علوم تجربی به اثبات رسانده و عموماً به نتایج جالب و شگفت‌انگیزی نیز دست یافته‌اند.

مواردی از فعالیتهای تجربی در خصوص اعجاز طبی با مفهوم شفابخشی:

1- پایان‌نامه‌ای تحت عنوان « بررسی میزان تأثیر آوای قرآن کریم بر کاهش درد زایمان12»

2- پایان‌نامه‌ای تحت عنوان « تأثیر آوای قرآن بر کاهش اضطراب بیماران بعد از سکت قلب13».

3- مقاله‌ای تحت عنوان « تصویر نوشتاری شفا یافتگان» درمجله پژوهشی حکیم دوره 2، شماره 3، منتشر شده که از شفای بیماران صعب‌العلاج و یا لاعلاج از طریق غیر متعارف (توسل، توکل و ...) گزارش می‌دهد14.

4- مقاله‌ای با عنوان « تأثیر آوای قرآن کریم در کاهش اضطراب قبل و بعد از انجام اقدامات تشخیصی و درمانی15» در مجله طب و تزکیه، شماره 29 منتشر شده که نشان می‌دهد، محققین به شکل عملی و با بهره‌گیری از آیه الا بذكر الله تطمئن القلوب، پروژه‌ای کاربردی را طراحی و اجراء نموده و تأثیر موسیقی ناشی از تلاوت قرآن را بر کاهش سطح اضطراب بیماران قبل و بعد از انجام اقدامات تشخیصی و درمانی مورد کنکاش قرار داده‌اند.

5- کتابی تحت عنوان « استعانت از قرآن در شفای جسمانی16» منتشر شده که به بررسی میزان تأثیر آوای قرآن کریم بر کاهش درد بیماران پس از اعمال جراحی شکم، به شکل تجربی پرداخته است. و دهها مقاله دیگر در زمینه بررسی نقش قرآن در کاهش استرس و اضطراب و افسردگی نوشته شده که گزارش از تحقیقات عملی و تجربی توسط پزشکان و محققین بدست می‌دهد17.

په نوشت ها:

1- الاسلام بتحدی، ص 140.

2- دراسات فقهیه فی قضایا طبیه معاصره، ج 1، ص 10.

3- تفسیر منهج‌الصادقین، ج 5، ص 307 و تفسیر اثنی عشر، ج 7، ص 430 و تفسیر المیزان، ج 13، ص 252.

4- تفسیر المواهب علیہ، ج 2، ص 443 و تفسیر منهج‌الصادقین، ج 5، ص 307 و تفسیر اثنی عشر، ج 7، ص 4

5- بهداشت تغذیه در روزه، ص 17 و همدم بیمار، ص 7.

6- اسراء/ 82.

7- یونس/ 57.

8- نهج‌البلاغه/ خطبه 176.

9- مکارم‌الاخلاق/ ص 363.

10- نهج البلاغه / خطبه 198.

11- بحارالانوار/ ج 59 / ص 68.

12- دانشگاه علوم پزشکی تهران، 1380.

13- منصوره تجویدی، دانشگاه تربیت مدرس، 1379.

14- دکتر اشرف السادات صانعی، دکتر علیرضا نیکبخت نصرآبادی، دکتر سعید باوی.

15- دکتر علیرضا نیکبخت نصرآبادی، مجله دانشور.

16- دکتر علیرضا نیکبخت نصرآبادی.

مریم شمس

پژوهشی و آموزشی